



HomePage: https://jquran.um.ac.ir/	Vol. 55, No. 1: Issue 110, Spring & summer 2023, p.183-198	
Online ISSN: 2538-4198	Print ISSN: 2008-9120	
Receive Date: 12-09-2022	Revise Date: 16-01-2023	Accept Date: 13-02-2023
DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.78777.1385	Article type: Original	

Analyzing One of the Causes of the Conflict between Narrations; Pure Imams' Different Answers to the Same Questions of Shiites

Sayyid Masoud Mortazavi

Ph.D. student, Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Mohammad Javad Enayatirad (Corresponding author), Assistant professor, Ferdowsi University of Mashhad

Email: enayati-m@um.ac.ir

Dr. Sayyid Mahmud Tabatabayi, Assistant professor, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

Hadith and Sunnah have been affected by much damage. One of the most important of them is the difference and conflict between narrations. The approach of *Ahl al-Bayt* (the household of the prophet) (AS) in creating conflict between the Shiites is one of the neglected and less discussed causes of the conflict between the hadiths. The Pure Imams' different answers to the same questions and adopting such an approach by them is effective in removing theological doubts. Also, it acquaints us with the Infallible status in using figures of speech. Differently answering of the Pure Imams have been referred to in several narrations and their companions have considered it difficult to believe or accept. This paper aims to mention some usages of this approach in jurisprudence and revealed rules. Also, it considers the fundamentals and innovations of *Mirzā Mahdī Iṣfihānī* and *Ayatollah Sayyid Alī Sīstānī*. These two traditionist jurists have explained several reasons for this issue and considered its nature different from *Taqīya* (the conformity with the Sunnites). Also, by criticizing and analyzing other scholars' views, they have discussed its narrative evidence and examples.

Keywords: The cause of the conflict between narrations, Creating conflict between Shiites, Conflict of the evidence, *Taqīya*, *Ayatollah Sīstānī*, *Mirzā Mahdī Iṣfihānī*, Different answers of the Imams





سال ۵۵ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۱۰ - بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۹۸ - ۱۸۳	HomePage: https://jquran.um.ac.ir/
شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰	شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۹۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۷/۰۶/۲۱	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۷/۱۰/۲۶
نوع مقاله: پژوهشی	DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.78777.1385

بررسی (صدور جواب‌های گوناگون از ائمه اطهار علیه السلام به سوالات یکسان شیعیان) از اسباب اختلاف حدیث

سید مسعود مرتضوی

دانشجوی دکتری مدرسی معارف دانشگاه فردوسی مشهد

(نویسنده مسئول) دکتر محمدجواد عنایتی راد

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: enayati-m@um.ac.ir

دکتر سید محمود طباطبایی

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

حدیث و سنت با آسیب‌های فراوانی مواجه شده است که یکی از مهمترین آن‌ها پدیده اختلاف و تعارض روایات است. یکی از اسباب مغفول اختلاف احادیث که کمتر بدان پرداخته شده است، رویکرد اهل بیت (ع) در اختلاف افکنی میان شیعیان است. صدور جواب‌های گوناگون از ائمه اطهار (ع) به سوالات یکسان شیعیان و حکمت اتخاذ چنین رویکردی توسط اهل بیت (ع) در دفع شبهات اعتقادی، مؤثر است و ما را با شئون معصوم در استفاده از ویژگی‌های کلام و سخن آشنا می‌سازد. صدور جواب‌های گوناگون از ائمه اطهار (ع) در روایات متعددی اشاره شده و باور و پذیرش آن برای اصحاب ائمه سخت و دشوار جلوه کرده است. در این نوشتار به برخی از کاربردهای این رویکرد در فقه و احکام شرعی اشاره و به مبانی و نوآوری‌های میرزا مهدی اصفهانی و آیت‌الله سیدعلی سیستانی توجه می‌شود. این دو فقیه حدیث‌شناس ضمن تبیین حکمت‌های متعدد این پدیده، آن را دارای ماهیتی متفاوت از تقیه (موافقت با عامه) دانسته و با نقد و تحلیل کلام دیگر اندیشمندان به شواهد روایی و مصادیق آن پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: اسباب اختلاف حدیث، اختلاف افکنی میان شیعیان، تعارض ادله، تقیه، آیت‌الله سیستانی، میرزا مهدی اصفهانی، جواب‌های مختلف امامان.

تبیین مسئله و پرسش اصلی

پاسخ‌های متعدد و متفاوت به سؤال یکسان توسط ائمه اطهار(ع) چنان مورد تعجب اصحاب امامان(ع) واقع شده است که زراره از اصحاب خاص و درخشان امام صادق(ع) تحمل نشستن بر روی نیزه یا رفتن درون آتش را آسان‌تر و ساده‌تر از شنیدن پاسخ‌های مختلف از امامان(ع) دانسته است (فیض کاشانی، ۲۸۲/۱).

این بحث با عناوین مختلفی از جمله صدور اجوبه مختلف از ائمه اطهار(ع)، توریه با پاسخ‌های مختلف راجع به پرسش واحد، القای خلاف و اختلاف میان شیعیان و اختلاف میان هم‌کیشان مطرح می‌شود که در این نوشتار از تعبیر اختلاف‌افکنی میان شیعیان توسط اهل بیت(ع) استفاده شده است.

در خصوص پدیده اختلاف‌افکنی میان شیعیان سؤالات مهمی مطرح است؛ از جمله حکمت اختلاف‌افکنی میان شیعیان در روایات چگونه تبیین شده است؟ اصحاب خاص و مخاطبان امامان(ع) در برابر این اختلاف‌افکنی آشکار چه رویکرد و موضعی داشتند؟ آیا اختلاف‌افکنی میان شیعیان نوعی از تقیه (موافقت با عامه) شناخته می‌شود؟ آیا اختلاف‌افکنی میان شیعیان در همه نوع احکام از واجبات و محرمات (احکام مضیق) صورت گرفته یا صرفاً در احکام موسع (مستحبات و مکروهات) تحقق یافته است؟ اختلاف‌افکنی میان شیعیان چگونه توسط فقیهان و اندیشمندان شیعه تحلیل شده است؟ این نوشتار با تأکید بر اندیشه و مبانی میرزاهمدی اصفهانی و آیت‌الله سیدعلی سیستانی در صدد واکاوی و پاسخ به سؤالات مذکور است.

همچنین بحث اختلاف‌افکنی در میان شیعیان از ابعاد گوناگون کلامی و فقهی برخوردار است که در این نوشتار در خصوص جنبه‌ها و مصادیق روایی این رویکرد در فقه تمرکز می‌شود.

اهمیت و ضرورت مسئله

اختلاف‌افکنی میان شیعیان سبب سردرگمی شیعیان و تردید آنان در علم و جایگاه امام می‌شود و علاوه بر ثمرات فقهی، از آثار کلامی و اعتقادی مهمی برخوردار است و فقدان پرداختن به آن سبب پدیدار شدن شبهات کلامی می‌شود (سیستانی، تعارض الأدله، ۲۰۵/۱).

تبیین اسباب جدیدی همچون اختلاف‌افکنی میان شیعیان نیز ما را با شئون دیگر ائمه اطهار(ع) همچون ایفای نقش ایشان به‌عنوان مربی، جایگاه تفویض در تبلیغ و کتمان آشنا می‌سازد.

یکی از اشتباهات رایج یکسان‌پنداری میان رویکرد اختلاف‌افکنی میان شیعیان، با تقیه (موافقت با عامه) است که غفلت از تمایز میان این رویکرد، خطایی مهم در فهم سیره ائمه اطهار(ع) در ارتباط با

پدیده اختلاف احادیث و فهم روایات مرتبط به این مسئله می‌شود. فقدان توجه به مبانی و نوآوری‌های برخی از عالمان معاصر، از جمله میرزامهدی اصفهانی و آیت‌الله سیستانی که در مباحث مربوط به اسباب اختلاف و کتمان حدیث از امتیازات علمی برخوردارند، سبب نگاه حداقلی و غیر جامع به بحث می‌شود، خلائی که این نوشتار درصدد جبران آن است.

پیشینه پژوهش

در موضوع اختلاف افکنی میان شیعیان، به صورت مستقل کتاب یا مقاله‌ای تألیف نشده است. محدث بحرانی در مقدمه کتاب حدائق الناضرة به اختلاف افکنی میان شیعیان اشاره کرده است (۵/۱) و پنجره‌ای بر بحث و تحلیل‌های بیشتر در این مسئله گشوده است.

سخنان صاحب حدائق توسط وحید بهبهانی در کتاب الفوائد الحائریة تحلیل و بررسی شده است (۳۵۳) و شیخ انصاری نیز در کتاب فرائد الأصول به کلام صاحب حدائق و اشکالات بر ایشان می‌پردازد و یکی از راه‌های تحقق تقیه را اختلاف افکنی میان شیعیان بیان می‌کند (۱۲۹/۴).

در مقاله‌ای با عنوان «تطور تاریخی راهکارهای تحقق تقیه در سیره ائمه شیعه»، اثر یحیی میرحسینی و علی باباخانی، ذیل عنوان ایجاد اختلاف در مسائل دینی و افتراق در میان هم‌کیشان به این مسئله پرداخته شده است. در مقاله «بازتیین کارکرد تقیه در روایات امامیه و نقش آن در استنباط»، اثر حسینعلی سعدی، نویسنده در ضمن بحث راجع به معناشناسی تقیه در بستر روایات و اقوال با اشاره به معنایی اعم از ترس در تحقق تقیه، به بررسی کلام صاحب حدائق می‌پردازد. در کتاب نقش تقیه در استنباط، اثر نعمت‌الله صفری به صورت تفصیلی به اشتراط یا عدم اشتراط با موافقت عامه در حمل بر تقیه و بررسی مدعا و ادله قول مشهور و صاحب حدائق می‌پردازد و در پایان، عدم اشتراط موافقت با قول عامه در تقیه را نادرست می‌شمرد و روایات ذکرشده توسط محدث بحرانی توجیه می‌کند.

در منابع یادشده، تحلیل رویکرد اختلاف افکنی میان شیعیان به خوبی صورت نگرفته است؛ زیرا در این منابع، رویکرد اختلاف افکنی میان شیعیان در ذیل تقیه تعریف شده و نظریه مقابل را بررسی نکرده است و در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها مبانی و نظرات آیت‌الله سیستانی و میرزامهدی اصفهانی طرح و بررسی نشده است.

میرزامهدی اصفهانی در کتاب المواهب السنیه اولین کسی است که با ذکر مصادیق متعدد روایی به مبحث اختلاف افکنی میان شیعیان پرداخته است که در ضمن تبیین مسئله، به وجوه متعدد تمایز میان تقیه (موافقت با عامه) و اختلاف میان شیعیان اشاره می‌کند (اصفهانی، ۴۱۴ تا ۴۳۹). آیت‌الله سیستانی نیز با تکمیل مباحث میرزای اصفهانی، علاوه بر ذکر تمایز این دو عامل، به نقد محقق بهبهانی و شیخ انصاری

در این خصوص می‌پردازد و بحث را در قالبی جدید ارائه می‌کند (سیستانی، تعارض الأدله، ۳۰۰/۱).

۱. اختلاف‌افکنی میان شیعیان در آیینۀ روایات

۱.۱. اصل تحقق چنین رویکردی توسط معصومان(ع)

در روایات متعددی راجع به اختلاف‌افکنی میان شیعیان توسط ائمه اطهار(ع) سخن به میان آمده است. اصل تحقق چنین رویکردی از سوی ائمه اطهار، امری بدیهی و انکارنشدنی است که با تعابیر مختلفی نقل شده است. معصومان در روایات مختلفی این اقدام را به خود نسبت داده‌اند. این موضوع در روایات گوناگون با تعابیری همچون «أَنَا فَعَلْتُ ذَلِكَ بِكُمْ» (ابن بابویه، ۳۹۵/۲)، «أَنَا أَمَرْتُهُمْ بِهَذَا» (طوسی، ۱۴۰۷، ۳۵۲/۲)، «أَنَا خَالَفْتُ بَيْنَهُمْ» (بحرانی، ۷/۱) و «أَمَرْتُكَ بِهِ وَأَتَاكَ أَبُو بَصِيرٍ بِخِلَافِ الَّذِي أَمَرْنَاكَ» (کشی، ۱۳۸) انعکاس یافته است.

۱.۲. شواهد روایی و کارکردهای آن در فقه

با نگاهی به مجموعه روایات، اختلاف‌افکنی میان شیعیان در مصادیق و احکام مختلفی تحقق یافته است؛ از جمله به کیفیت حج تمتع و تعداد رکعات نماز واجب و نوافل آن در روایت عبدالله بن زراره (کشی، ۱۳۸) و روایت بزنی (کلینی، ۴۴۴)، افطار و عدم افطار در روزه مستحبی روز عرفه (نوری، ۵۲۸/۷)، وقوع یا عدم وقوع طلاق سه‌گانه در مجلس واحد (حر عاملی، ۷۰/۲۲؛ حلی، ۲۷۲/۱؛ طوسی، ۵۴/۸)، اختلاف در مواقیح حج (بحرانی، ۷/۱)، وقت نماز ظهر و عصر (مجلسی، ۲۵۲/۲) می‌توان اشاره کرد. از امتیازات آیت‌الله سیستانی و میرزامهدی اصفهانی بر محدث بحرانی در این موضوع، طرح و بررسی روایات متعدد مربوط به آن است.

۱.۳. حکمت‌ها و علل مطرح‌شده در روایات و سخن اندیشمندان

در میان روایات اهل بیت، حکمت‌ها و عللی برای رویکرد اختلاف‌افکنی میان شیعیان بیان شده است؛ از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. بیان وجوه و راهکارهای متعدد در احکام موسعه با تعبیر «مِنَ الْأَشْيَاءِ أَشْيَاءٌ مُّوسَّعَةٌ تَجْرِي عَلَيَّ وَجْهٌ كَثِيرَةٌ» (برقی، ۳۰۰/۲).

۲. ایجاد اختیار و توسعه برای مکلفان با تعبیر «وَلَوْ اجْتَمَعْنَا عَلَى شَيْءٍ مَا وَسِعَكُمْ غَيْرُهُ» (نوری، ۵۲۸/۷).

۳. دفاع و حفاظت از شیعیان با تعبیر «فَلْيَعْلَمَنَّ أَنَّ ذَلِكَ دِفَاعٌ مِنَّا عَنْهُ» (کلینی، ۶۶/۱)، دفع شر مخالفان با بدگویی از شیعیان در انظار عامه با تعبیر «إِنَّمَا أُعِيكَ دِفَاعاً مَنِي عُنْكَ فَإِنَّ النَّاسَ وَالْعُدُوَّ يَسَارِعُونَ إِلَيَّ

کل من قَرَّبناه» (حر عاملی، ۳۷۳/۳۰)، ابقا و حفظ تشیع و شیعیان با تعبیر «إِنَّ هَذَا خَيْرٌ لَنَا وَأَبْقَى لَنَا وَ لَكُمْ» (کلینی، ۶۵/۱)، دورماندن از قصد، اذیت و آزار عامه (اهل سنت) با تعبیر «وَلَوْ اجْتَمَعْتُمْ عَلَيَّ أَمْرٍ وَاحِدٍ لَقَصَدْتُ النَّاسَ» (ابن بابویه، علل الشرائع، ۳۹۵/۲)، ممانعت از شناخته شدن شیعیان با تعبیر «لَوْ صَلَّوْا فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ لَعَرُفُوا» (مجلسی، ۲۵۲/۲).

۴. امکان نداشتن تبیین واقع و حقیقت با تعبیر «وَلَوْ أَدْنَى لَنَا لَعَلِمْتُمْ أَنَّ الْحَقَّ فِي الَّذِي أَمَرْنَاكُمْ بِهِ»

(کشی، ۱۳۹).

۵. انجام شئون نبی اکرم به جز نبوت توسط ائمه اطهار، همچون تربیت نفوس و... در پی تفویض امر

به ایشان با تعبیر «فَمَا فَوَّضَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَوَّضَ إِلَيْنَا» (صفار، ۳۸۵/۱).

آیت الله سیستانی دو حکمت برای القای اختلاف میان شیعیان توسط معصومان بیان کرده است.

نخست، ناشناس ماندن شیعیان در چشم حکومت و دشمنان در اثر ناهمگونی رفتارهای شرعی (سیستانی، تعارض الأدله، ۲۹۳/۱) و دوم، شکل‌گیری اختلاف عمیق، فراتر از تقيه است تا باوری کاذب در میان عامه ایجاد شود بر اینکه نظرات مختلف و مخالف اهل سنت، ناشی از اختلاف میان عموم شیعیان است و ارتباطی با شخص امام ندارد. بدین سبب علاوه بر حفظ جان و مال شیعیان و امام، جایگاه ائمه نیز در میان اهل سنت و حاکمان حفظ و تقویت شود. ثمره این رفتار آن است که با وجود آنکه اهل سنت به سبب کوچک‌ترین سببی راویان را جرح می‌کنند، جایگاه، احترام و اعتبار امام صادق و امام باقر (ع) در میان آنان همواره محفوظ بوده است (همو، همان، ۳۰۱/۱). بر این ادعا شواهدی از رجال کشی (کشی، ۳۲۴)، تهذیب التهذیب (عسقلانی، ۸۸/۲) و کتب اهل سنت معاصر (ابوزهره، ۲۵۵) دلالت می‌کند.

صاحب حدائق نقل‌های متهافت شیعیان را سبب وهن و سخیف شدن مذهب شیعه در نگاه اهل سنت

می‌داند تا به شیعیان نسبت جهل و بی‌دینی دهند و بدین وسیله از تشدید بغض و کینه آنان در خصوص شیعیان و امام شیعیان جلوگیری شود (بحرانی، ۶/۱). گویا آیت الله سیستانی در تصویر حکمت دوم، همین رأی صاحب حدائق را توسعه داده است. به تعبیر دیگر، این امر سبب می‌شد که شیعه به عنوان فرقه‌ای متحد و دارای برنامه و هدفمند قلمداد نشود و از تعرض در امان ماند (سعدی، ۳۷).

میرزاهدی اصفهانی در بررسی حکمت اختلاف افکنی، تحلیلی دیگر ارائه می‌دهد (اصفهانی،

۴۲۶). او معتقد است بر اساس روایاتی که پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) را مربی و سیاست‌گذار

جامعه اسلامی معرفی می‌کند (مجلسی، ۳۳۹/۲۵)، می‌بایست مهم‌ترین حکمت اختلاف افکنی میان

شیعیان در تفویض احکام و معارف به ایشان و انگیزه سوق شیعیان به کمال جست‌وجو شود. اما تبیین آن

برای عموم و بیان امکان کتمان برخی از حقایق و احکام توسط ائمه اطهار به نوعی نقض غرض به شمار

می‌رفته است، لذا حکمت و علت آن در قالب حفظ شیعیان از خطرات بیان شده است (اصفهانی، ۴۲۶ تا ۴۲۷).

برخی نیز اختلاف افکنی میان شیعیان را راهبرد ائمه معصوم (ع) در تعیین افراد شاخص و ارجاع شیعیان به اصحاب برگزیده دانسته‌اند؛ برای مثال، فیض‌بن مختار از اختلاف میان شیعیان کوفه شکایت کرد و امام زراره بن اعین را برای حل اختلاف معرفی فرمود (میر حسینی و باباخانی، ۱۷۰).

۲. تمایز اختلاف افکنی میان شیعیان و پدیده تقیه (موافقت با عامه)

میان تقیه و موافقت با عامه سه دیدگاه وجود دارد:

ا. وجود قول مذهب یا خبری از عامه برای تحقق تقیه لازم است و تقیه به روش دیگری محقق نمی‌شود. این نظر دیدگاه مشهور است و صاحبان کتب روایی؛ همانند تهذیب، استبصار، وسائل الشیعه به آن قائل هستند (صفری، ۴۱۵).

ب. در تقیه، موافقت با عامه شرط نیست و رابطه میان تقیه و موافقت با عامه رابطه عام و خاص مطلق است؛ بدین معنا که هر جایی که موافقت عامه باشد، تقیه است، اما در برخی موارد تقیه هست ولی موافقت با عامه نیست. این دیدگاه مربوط به صاحب حدائق (۱/۵۱ تا ۱۴) و صاحب جواهر (۶/۳) است. از منظر محدث بحرانی، تقیه به معنای موافقت با عامه با اختلاف افکنی میان شیعیان یکسان نیست و در آن وجود قول موافق عامه و حضور دشمنان شرط نیست (بحرانی، ۵/۱ تا ۶).

اگر این اشکال مطرح شود که صاحب حدائق از اختلاف افکنی میان شیعیان با عنوان تقیه یاد کرده است و ظهور تقیه در موافقت با عامه است، چنین پاسخ داده می‌شود که تعبیر از تقیه که به صورت متعدد در مقدمه اول حدائق تکرار شده است به معنای موافقت با عامه نیست؛ بلکه وی با توسعه در معنای تقیه، آن را به صورت عام مطرح کرده است تا شامل هر نوع احتیاط و حذر به منظور حفظ شیعیان از گزند عامه شود (سعدی، ۳۷).

براین اساس، نقدهای متعدد برخی از پژوهشگران (صفری، ۴۲۲ تا ۴۲۸) به صاحب حدائق و تلاش برای برقراری ارتباط میان روایات اختلاف افکنی میان شیعیان و بحث تقیه به معنای موافقت با عامه اشتباه است و اساساً گفتار صاحب حدائق ارتباطی به بحث تقیه مصطلح ندارد.

ج. بر اساس این دیدگاه، اختلاف افکنی میان شیعیان از مصادیق کتمان است و ارتباطی با تقیه ندارد. آیت الله سیستانی و میرزامهدی اصفهانی در ضمن امکان تحقق تقیه در میان شیعیان (سیستانی، بحوث فی مناسک الحج، ۵۱۳/۱۸) و عدم اشتراط موافقت با عامه، اختلاف میان شیعیان را از طرق تحقق تقیه

نمی‌داند (سیستانی، تعارض الأدلة، ۲۹۳/۱ و ۲۹۷ و ۳۰۰).

نقطه مشترک میان قول دوم و سوم این است که تقیه به معنای موافقت با عامه قطعاً با اختلاف افکنی میان شیعیان متفاوت است و آنچه به عنوان مرجح در روایات متعارض ذکر شده است همان تقیه مصطلح (موافقت و مخالفت با عامه) است.

شواهدی بر اختلاف میان تقیه و اختلاف افکنی میان شیعیان دلالت می‌کند:

۱. در روایت بزنی (کلینی، ۴۴۴/۳) است که در مسئله نوافل یومیه، اختلاف شیعیان را میان ۵۰ رکعت و ۴۴ رکعت معرفی می‌کند، در حالی که قول اهل سنت با هر دو قول مذکور مخالف است (سیستانی، تعارض الأدلة، ۲۹۷/۱)، زیرا احمد بن حنبل تعداد نوافل به استثنای نماز شب را ۱۰ رکعت، شافعی ۸ رکعت و ابوحنیفه رکعات نوافل را بیش از ۵۰ رکعت می‌داند (ابن قدامه، ۷۹۸/۱).

۲. یکی از شواهد تغایر تقیه و اختلاف افکنی میان شیعیان، تعبیر مطرح شده در روایات و عکس العمل راویان در قبال مشاهده اختلاف احادیث است (اصفهانی، ۴۳۴)، چنان که تعبیری چون «فرغت من ذلک» و «عظم علی» (مجلسی، ۲۴۱/۲)، «اظلم علیّ البیت» (حر عاملی، ۷۰/۲۲)، «فازدت غما حتی کدت ان اکفر» (حلی، ۲۶۵) از موسی بن اشیم نقل شده است. زراره، صحابی باعظمت امام صادق (ع) از این قضیه تعجب فراوان و حتی اعتراض می‌کند (مجلسی، ۲۳۶/۲). این در حالی است که استفاده از پدیده تقیه در میان همه اصحاب و حتی توده مردم امری معروف و شناخته شده است و قضیه تقیه عمار در صدر اسلام نیز گوش به گوش رسیده است. این تردید و انکار اصحاب در کنار مشهور بودن امر تقیه، مؤیدی است بر آنکه اختلاف احادیث صرفاً به سبب تقیه نبوده است و نحو دیگری از آن، سرچشمه در اختلاف افکنی میان شیعیان دارد (اصفهانی، ۴۳۴).

۳. دیگر شاهد (اصفهانی، ۴۳۳) در روایت عبدالاعلی (مجلسی، ۱۹۷/۲)، امام صادق (ع) به افراد مختلف راجع به یک مسئله پاسخ‌های متفاوت ارائه کردند و در پاسخ از استیحاش عبدالاعلی، این رویکرد خود را منحصر به احکام موسع دانستند و استفاده از آن را در احکام مضیق انکار کردند، در حالی که استخدام تقیه منحصر به احکام موسع نیست و در احکام مضیق نیز جریان دارد و آنچه منحصر در احکام موسع است رویکرد اختلاف افکنی میان شیعیان است.

۴. در برخی از روایات (همان، ۲۳۴/۲)، بیان دو حکم متفاوت به نبی اکرم نسبت داده شده است؛ در حالی که یکی از مسلمات آن است که تقیه درباره پیامبر اکرم (ص) معنایی ندارد؛ این مؤیدی بر تمایز اساسی میان این دو رویکرد است (اصفهانی، ۴۳۴).

۵. در روایات ائمه اطهار (ع) در توضیح اختلاف احادیث نیز تعبیری همچون «أنتم أفقه الناس إذا

عرفتم معانی کلامنا» و «فَلَوْ شَاءَ إِنْسَانٌ لَّصَرَفَ كَلَامَهُ كَيْفَ شَاءَ» (ابن بابویه، معانی الاخبار، ۱) آمده است که ارتباطی با تقیه ندارد (اصفهانی، ۳۴۳). این تعابیر، تغایر تقیه و اختلاف‌افکنی را تأیید می‌کنند.

ووجه تمایز میان تقیه و القای اختلاف میان شیعیان در نکات ذیل خلاصه می‌شود:

۱. القای اختلاف میان شیعیان فقط در احکام موسعه صورت می‌گیرد، اما تقیه هم در احکام موسعه و هم مضیقه جاری است (سیستانی، تعارض الأدلة، ۲۹۳/۱). احکام موسعه به احکامی گفته می‌شود که مشتمل بر جهت توسعه و ترخیص‌اند؛ از جمله مستحبات، مکروهات، واجبات تخییری، و واجبات تعیینی که دارای افراد طولی در اتیان هستند (همو، همان، ۴۱۱/۱)؛ بدین معنا که اختلاف‌افکنی میان شیعیان هیچ‌گاه مستلزم ترخیص در فعل محرم و ترک واجب نخواهد بود که در روایات بر این مسئله تأکید شده است (مجلسی، ۲۳۳/۲؛ ۲۴۶/۲).

۲. احکام تقیه‌ای موقت به زمان خاصی هستند و پس از رفع موانع و اسباب کتمان، حکم واقعی تبیین می‌شود (سیستانی، تعارض الأدلة، ۳۰۵/۱). نمونه بارز آن، حکم تقیه‌ای به جواز شکار به وسیله باز در زمان امام باقر(ع) است که در دوران امام صادق(ع) حکم واقعی آن، یعنی حرمت تبیین شد (حر عاملی، ۲۲۰/۱۶). اما در القای اختلاف میان شیعیان با توجه به وجود دائمی حکمت و به منظور واقعی جلوه نمودن اختلاف، این اختلافات در زمان‌های بعد و توسط امامان دیگر رفع نشد؛ بلکه حتی در برخی از احکام موسعه اختلاف میان شیعیان توسط امامان تجویز شد (طوسی، ۶/۲).

۳. از منظر میرزامهدی اصفهانی، تقیه مخصوص حفظ جان مخاطب یا سؤال‌کننده راجع به خطری است که از او اطلاع ندارد و در تقیه حفظ نوع و عموم شیعه مدنظر نیست، اما در اختلاف‌افکنی میان شیعیان، حفظ عموم شیعیان مدنظر است (اصفهانی، ۴۲۹). تمایز ذکر شده توسط میرزامهدی اصفهانی را آیت‌الله سیستانی نپذیرفتند (سیستانی، تعارض الأدلة، ۳۰۶/۱). ایشان در بیان مصادیق حفظ جان به سبب تقیه، به تقیه برای حفظ جان عموم شیعه اشاره کرده است، چنان‌که روایاتی نیز نظر وی را تأیید می‌کند (کلینی، ۷/۸).

۳. سیر تطور برداشت‌های دانشمندان درباره پدیده اختلاف‌افکنی میان شیعیان

۳.۱. محدث بحرانی در الحدائق الناضرة

محدث بحرانی در کتاب الحدائق الناضرة، راجع به اختلاف‌افکنی میان شیعیان توسط اهل بیت(ع) و حکمت پاسخ‌های مختلف و متعدد به شیعیان، در مقدمه اول ضمن جملاتی در خصوص اصل ضرورت تقیه و شرایط سخت و دشواری که ائمه اطهار(ع) و شیعیان در آن زندگی می‌کردند، چنین بیان می‌کند:

«فقط تعداد کمی از احکام دین به صورت یقینی دانسته می‌شود، زیرا روایات با تقیه قرین شده است» (بحرانی، ۵/۱).

بر اساس مجاهدت علمی و قبول رنج بسیار و زحمت فراوان توسط قدمای از اصحاب، فقها و محدثان نیز روایات دروغ، دس و مجعول از تراث حدیثی شیعه پاک‌سازی و تنقیح شده است. ضبط دقیق احادیث، عرضه کتب حدیثی و روایات بر ائمه اطهار (ع)، اساتید و دیگر اصحاب، معرفی افراد دروغگو و جعل توسط ائمه (ع) و طرد عملی این افراد از جایگاه تأثیرگذاری در جامعه شیعه از عواملی است که بر تنقیح و پالایش روایات دلالت دارد. در نتیجه، روایات متعارض و مختلف از ائمه اطهار (ع) ناشی از جعل احادیث نیست و علت چنین تعارض و اختلاف‌نمایی باید در امر دیگری جست‌وجو شود (بحرانی، ۸/۱).

محدث بحرانی از شش روایت به‌عنوان دلیل و شاهد بر رویکرد اختلاف‌افکنی میان شیعیان استفاده کرده و آن را مقدمه دوم کلام خویش قرار داده است و در واقع فلسفه و چرایی تعارض و اختلاف احادیث را در صدور جواب‌های گوناگون از ائمه اطهار (ع) به سؤالات یکسان شیعیان بازنمایی می‌کند (انصاری، ۱۲۸/۴).

از منظر صاحب حدائق ترجیح میان روایات متعارض ابتدا به وسیله عرض بر محتوای کتاب صورت می‌پذیرد و پس از آن مهم‌ترین و قوی‌ترین ترجیح، ترجیح به وسیله حمل بر تقیه است؛ زیرا اکثر، بلکه همه اختلافات به نوعی از تقیه نشئت می‌گیرد (بحرانی، ۸/۱). وی معتقد است رویکرد اختلاف‌افکنی میان شیعیان با جست‌وجو در میان سیره، آثار، قصص و روایات اهل بیت (ع) با هدف محافظت از جان خویش و شیعیان به وضوح فهمیدنی است (همو، ۵/۱).

۲.۳. وحید بهبهانی در الفوائد الحائریة

گفتار صاحب حدائق توسط محمدباقر وحید بهبهانی، عالم معاصر ایشان نقد شده است. ادعای اصلی وحید بهبهانی، انحصار تقیه در موافقت با مذهب عامه است. وی نظریه محدث بحرانی را جاع به عدم اشتراط تقیه به موافقت با عامه را رد می‌کند و اختلاف‌افکنی میان شیعیان را به‌عنوان عامل مستقل قبول ندارد، بلکه آن را صرفاً در ضمن تقیه مصطلح (موافقت با عامه) صحیح می‌داند (بهبهانی، ۳۵۴).

اشکال نخست وحید بهبهانی آن است که بر اساس اخبار علاجیه، رشد و صلاح در روایات مخالف با عامه است. پس اگر دو خبر هم‌زمان مخالف با عامه باشند، وجهی برای حمل یکی از آن دو بر تقیه و طرح آن وجود ندارد (همو، ۳۵۴).

اشکال دوم وحید بهبهانی بر محدث بحرانی آن است که رویکرد اختلاف‌افکنی میان شیعیان کمکی به حفظ شیعیان و دورکردن آنان از اذیت و اتهام نمی‌کند و آنچه سبب دفع خطر است، صرفاً تقیه و موافقت

با عامه است. وی با تحلیلی تاریخی و ارائه شواهدی معتقد است که با توجه به رویکرد اتهام‌پراکنی اهل سنت، امکان ندارد که شیعیان بدون لحاظ موافقت با عامه و صرفاً با اختلاف میان خود، از آزار و اتهام اهل سنت در امان باشند؛ چنان‌که شیعیان در طول اعصار و قرون متمادی مورد اتهام و آزار عامه قرار گرفته‌اند و به کوچک‌ترین مناسبتی با نسبت رفض و خروج از دین مواجه شده‌اند. به عقیده بهبهانی، اهل سنت عموماً تصویر صحیحی از احکام و معتقدات شیعه نداشته است و هرآنچه مخالف با مذهب خود بوده است را به شیعه منتسب کرده است و آن را دستمایه اقدام بر علیه شیعیان می‌کرده است. در کلام محقق بهبهانی اشکالات دیگری نیز مطرح شده است؛ از جمله راهکار موافقت با عامه آسان‌تر و مؤثرتر از اختلاف‌افکنی میان شیعیان است و نباید از این راهکار عدول شود یا در صورتی که دو خبر مخالف با اهل سنت باشد، مرجح مخالفت با عامه لغو است که بیان تفصیلی این اشکالات در این مختصر نمی‌گنجد (همو، ۳۵۵).

۳.۳. شیخ انصاری در فرائد الأصول

شیخ انصاری در مباحث مربوط به تعادل و تراجیح به کلام صاحب حدائق پرداخته است. از برکات ورود شیخ انصاری به این مسئله، تقویت کمی و کیفی بحث از این مسئله در شروع و تعلیقات فرائد الأصول است.

وی به نقدهای ذکر شده در کلام وحید بهبهانی تردید می‌کند، اگرچه خود نقدهایی بر کلام محدث بحرانی وارد می‌کند.

اختلاف عملکرد توسط شیعیان در فروع و اتحاد ایشان در اصول می‌تواند سبب دفع خطر از ایشان شود و ثبوتاً این روش معقول است، اما در خارج و مقام اثبات فقط به صورت نادر رخ داده است و نمی‌تواند رویکردی عام در رفتار اهل بیت (ع) محسوب شود (انصاری، ۱۲۹/۴). گویا شیخ انصاری قدر متیقن از مصلحتی که مقتضای تجویز بیان خلاف واقع است را تقیه (به صورت ابراز نظر موافق با عامه) می‌داند و تعدی از این روش را هر چند ممکن است، اما خلاف اصل و نادرالوقوع می‌پندارد (تبریزی، ۶۲۸).

شیخ انصاری به نقد روایاتی که توسط صاحب حدائق بیان شده است ورود نمی‌کند و صرفاً با تعبیر «أخبار تخیلها دالة علی مدعاه» آن‌ها را در اثبات مدعای بحرانی ناکارآمد معرفی می‌کند (انصاری، ۱۲۸/۴).

سخن شیخ انصاری را نقد و بررسی شده است (سیستانی، تعارض الأدله، ۳۰۱، ۳۰۰/۱):

أ. شیعیان و مخاطبان اهل بیت (ع) دارای گونه‌های مختلف فکر و استعداد و قابلیت‌های متفاوت در

دریافت معارف و احکام‌اند. در میان مخاطبان آنان، خواص و اصحاب درخشانی همچون زراره و محمدبن مسلم وجود دارند. چنان‌که برخی اصحاب آنان، حتی در حفظ اسرار اهل بیت (ع) عاجز بوده‌اند. عده‌ای از مخاطبان نیز توده‌هایی از عوام شامل زنان بی‌اطلاع، افراد غافل در خصوص مناسک، تکلیف و شریعت و حتی کودکان بوده‌اند.

لزوم حفظ دین و کیان مذهب از آزار و اذیت‌های عامه توسط خواص اصحاب رعایت و تأکید شده است و به همین دلیل، مراعات تقیه و اظهار موافقت با عامه از آنان مورد انتظار و توقع است. اما دیگر اصناف مخاطبان اهل بیت چنین توجهی نداشته‌اند و باتوجه به استعداد و قابلیت گروه‌های نام‌برده، این انتظار که پیوسته مراقب سخن خود باشند و عملشان به خلاف معتقداتشان بر وفق عامه جریان یابد، انتظاری فوق حد توانایی آنان است. پس گفتار شیخ انصاری در این خصوص صحیح نیست.

ب. گروهی از شیعه‌نمایان، خود را در میان صفوف و توده شیعه داخل کرده‌اند، درحالی‌که التزامی به معتقدات شیعه نداشته‌اند. بدیهی است که به دلیل عدم التزام به این معتقدات، استفاده از رویکرد تقیه در مقابل اهل سنت بر آنان مؤثر واقع نمی‌شده است.

ج. ممکن است تقیه و موافقت با عامه در احکام و مسائل، سبب حفظ جان برخی از اصحاب در مقابل اهل سنت شود و آنان متوجه کتمان واقع توسط شیعیان نشوند، اما سلطه و دستگاه اطلاعاتی حاکمیت و اشراف دقیق بر رفتار، منش، مناسک و رویکرد شیعیان به خوبی قادر بر تشخیص کتمان حقیقت و تقیه بوده است و در نتیجه، تقیه نمی‌توانسته است به تنهایی ثمره‌بخش واقع شود.

بنابراین، حفظ جان نوع و عموم شیعیان اقتضا می‌کند که اختلافی به صورت واقعی میان شیعیان ایجاد شود، به طوری‌که هریک از شیعیان با یکی از پاسخ‌های متعدد امامان (ع) روبه‌رو شود و بدان عمل کند و احتمال دیگری جز آن ندهد. رویکرد شیعیان باید به گونه‌ای باشد که حتی در صورت یقین به فقدان شرایط تقیه و نظارت دشمنان، رفتار خود را تغییر ندهند؛ چراکه تشخیص مواضع تقیه از توانایی عموم مردم خارج بوده است. به تعبیر دیگر، مقصود نهایی آیت‌الله سیستانی این است که تقیه در حفظ جان اشخاص مؤثر است، اما مصالحی همچون ضرورت حفظ عموم شیعیان و مکانت علمی امامان و عدم انتساب این اختلافات به ایشان، گفتار محدث بحرانی در تحلیل روایات اختلاف اجوبه اهل بیت (ع) را تأیید می‌کند.

د. شیخ انصاری در بخشی از عبارت خود اظهار می‌دارد که شیعه حتی اگر در عمل مختلف باشند اما در مخالفت با اهل سنت متحد هستند (انصاری، ۱۳۹۴/۴)، دلیلی بر این ادعا وجود ندارد. گویا شیخ انصاری اقوال عامه و مذاهب را منحصر در مذاهب اربعه فرض کرده است؛ درحالی‌که بر اساس شواهد تاریخی و اقرار کتب اهل سنت (شافعی، ۲۸۰/۷)، انحصار مذاهب پدیده‌ای متأخر است که به صورت

تدریجی شکل گرفته است. پس در زمان صدور روایات از ائمه اطهار(ع)، علمای اهل سنت، متعدد و اقوال آنان گوناگون بوده است، در حدی که قول برخی از علما، معروف‌تر و قوی‌تر از رؤسای مذاهب اربعه پنداشته شده است، چنان‌که حتی در مدینه منوره علمای متعددی علاوه بر مالک، به‌عنوان صاحب رأی و نظر مطرح بوده‌اند.

۴. تحلیل، بررسی سیر تطور دیدگاه‌ها

پیرامون اشکالات مطرح‌شده توسط محقق بهبهانی نکات ذیل مدنظر است:

۱. راجع به اشکال نخست، در روایت عمر بن حنظله که مورد استدلال وحید بهبهانی قرار گرفته است، تعبیر «ما خالف العامه فقیه الرشاد» (کلینی، ۶۷/۱) مطرح شده است؛ اما این حکمت در موردی بیان شده است که در میان دو روایت متعارض، یکی موافق و دیگری مخالف با عامه باشد. پس اگر هر دو خبر مخالف با عامه باشند، این حکمت تطبیق‌شدنی نیست. پس بر خلاف برداشت وی نمی‌توان در میان دو روایت متعارض و مخالف با عامه، هر دو را صواب پنداشت (سعدی، ۱۷).

محدث بحرانی در تعارض دو خبر مخالف با عامه به سایر مرجحات عمل می‌کند و از مرجح مخالفت با عامه بهره نمی‌برد. کاربست این مرجح در موردی که هر دو روایت متعارض، مخالف با عامه باشند، اول کلام و محل نقد است. علاوه بر آنکه بیان این مرجح در روایات، به‌هیچ‌عنوان رویکرد اختلاف‌افکنی میان شیعیان به دلیل مصلحت اقوی را نفی نمی‌کند (تبریزی، ۶۲۸)، برخی اندیشمندان نیز در تأیید رویکرد محدث بحرانی و نقد وحید بهبهانی، در صورت مخالفت هر دو روایت با عامه، مرجح مخالف را ناکارآمد می‌دانند و اخذ به دیگر قرائن را مؤثر می‌دانند (حکیم، ۴۳۴/۶).

محقق بهبهانی در اشکال نخست و چهارم بر محدث بحرانی، مقام ترجیح بین دو روایت (مرجح مخالفت و موافقت با عامه) را دستاویز اشکالات به صاحب حدائق قرار داده است و در موردی که هر دو خبر مخالف با اهل سنت باشد، مرجح نامبرده را بی‌فایده و لغو می‌داند (بهبهانی، ۳۵۶)، در حالی که محدث بحرانی در صدد بیان انحای مختلف حصول تقیه از جمله اختلاف‌افکنی میان شیعیان بوده است و کلام ایشان ارتباطی با ترجیح میان دو خبر ندارد.

۲. در پاسخ به اشکال دوم می‌توان گفت: محدث بحرانی معتقد است اختلاف عملی میان شیعیان منجر به وهن و سخافت مذهب شیعه در نزد اهل سنت می‌شود و همین نکته سبب می‌شود تا آنان این اختلاف را به خود افراد شیعه نسبت دهند و آن را منتسب به مذهب و گفتار امامان شیعه نگردانند و همین نکته دلیل دفع شر و اذیت آنان می‌شده است (بحرانی، ۶/۱).

بدیهی است که ایجاد آزار و مزاحمت و اتهام‌پراکنی عامه راجع به شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت، در گونه‌های مختلف فقهی، اجتماعی و سیاسی با وجود رویکردهای پیشگیرانه ائمه اطهار(ع) حتی رویکرد تقیه و اظهار موافقت با عامه، همواره بوده و خواهد بود و راهی برای تعطیلی کلی چنین رفتاری وجود ندارد؛ پس سخن در کاهش و به حداقل رساندن آن است.

باید توجه داشت که اتهام‌پراکنی عامه نیز سبب نمی‌شود که ائمه اطهار(ع) از مصلحت اهمی که با اختلاف‌افکنی میان شیعیان (اگرچه با اظهار دو نظر مخالف اهل سنت) حاصل می‌شود، دست کشند و از آن بهره نبرند (تبریزی، ۶۲۸). پس می‌توان گفت دلیل محقق بهبهانی اخص از مدعاست (تبریزی، ۶۲۸). راجع به کلام شیخ انصاری نیز علاوه بر نقدها و اشکالاتی که بدان اشاره رفت باید گفت: دلیلی بر انحصار روش اهل بیت(ع) برای دفع خوف و ضرر از شیعیان در تقیه به معنای موافقت با عامه وجود ندارد. مصلحت عدم بیان واقع، منحصر در تقیه نیست، بلکه اسباب مختلفی برای کتمان وجود دارد؛ از جمله توریه، سوق به کمال و تربیت مخاطب، تفویض امر به اهل بیت و سکوت در مقابل پرسش مخاطب. این رویکردها، هویت و حقیقتی غیر از تقیه دارد و گاه به سبب مصلحت و رعایت شئون واگذار شده به ائمه(ع)، پیروی از آن‌ها لازم می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار با ارائه شواهد تفصیلی از روایات به رویکرد اختلاف‌افکنی توسط اهل بیت(ع) در میان شیعیان پرداخته شد و این انگاره که اختلاف احادیث صرفاً بر اساس عملکرد راویان و بدون دخالت تعمودی معصومان رخ داده است، نقد و رد شد.

صدور جواب‌های گوناگون از ائمه اطهار(ع) به سؤالات یکسان شیعیان در حکمت‌هایی از جمله حفظ جان عموم شیعیان، حفظ مکانت علمی امامان شیعه، تفویض احکام و معارف و سوق شیعیان به کمال و رشد مطرح است.

نسبت تقیه به معنای موافقت با عامه با رویکرد اختلاف‌افکنی میان شیعیان دارای ماهیت‌هایی مستقل و نامربوط به یکدیگر است و وجوه تمایز متعددی میان آن‌ها وجود دارد، در حالی که در بسیاری از پژوهش‌های پیشین، به غلط میان آن دو یکسان‌پنداری شده است.

محدث بحرانی با تعبیر به تقیه اعم، اختلاف‌افکنی میان شیعیان را در ضمن تقیه تعریف کرده است، اما محقق بهبهانی با مختص کردن تقیه به موافقت با عامه، اشکالات متعددی را بر محدث بحرانی مطرح کرده است؛ اشکالاتی که توسط شیخ انصاری و سیدعلی سیستانی نقد شده است.

از منظر آیت‌الله سیستانی دلیلی بر انحصار روش اهل بیت(ع) برای دفع خوف و ضرر از شیعیان در

تقیه به معنای موافقت با عامه وجود ندارد و می‌توان از راهکارهای دیگر کتمان بهره جست.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، محمدصادق بحر العلوم، قم: کتاب‌فروشی داوری، ۱۳۸۵.
- _____، معانی الأخبار، علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۳ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، بیروت: دار صادر، ۱۳۲۵ق.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، بی‌جا: دار الفکر، ۱۴۰۵ق.
- ابوزهره، محمد، ابوحنیفه حیات و عصره آراؤه و فقهه، قاهره: دار الفکر العربی، ۱۴۱۷ق.
- اصفهانی، میرزاهدی، الإفتاء و التقليد المواهب السنیه الصوارم العقلیه، بی‌جا: نشر معارف اهل بیت الطاهرین، ۱۳۹۸.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الأصول، بی‌جا: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۲۸ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، به تصحیح محمدتقی ایروانی و دیگران، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، جلال‌الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ق.
- بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، الفوائد الحائریة، مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
- تبریزی، موسی بن جعفر، اوثق الوسائل فی شرح الرسائل، بی‌جا: کتبی نجفی، ۱۳۶۹.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، بی‌جا: آل‌البتیت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- حکیم، محمد سعید، التنقیح، بی‌جا: مؤسسه الحکمة الثقافة الإسلامیه، ۱۴۳۱ق.
- حلی، حسن بن سلیمان بن محمد و مظفر مشتاق، مختصر البصائر، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۱ق.
- سعدی، حسینعلی، «بازتبیین کارکرد تقیه در روایات امامیه و نقش آن در استنباط»، حدیث پژوهی، ۲۴، ۱۳۹۹، صص ۴۸ تا ۲۵.
- سیستانی، سیدعلی، بحوث فی مناسک الحج، بی‌جا: دار المورخ العربی، ۱۴۲۷ق.
- _____، تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث، ترجمه سیدهاشم هاشمی، بی‌جا: اسماعیلیان، ۱۳۹۸.
- شافعی، محمد بن ادريس، الأم، بی‌جا: دار الفکر، ۱۴۰۳ق.
- صاحب‌جواهر، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام، رضا استادی و دیگران، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ق.
- صفری، نعمت‌الله، نقش تقیه در استنباط، بی‌جا: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴ق.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، محسن بن عباسعلی کوجه‌باغی، قم: آیت‌الله

مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، حسن خراسان و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة. ۱۴۰۷ق.
فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، الوافی. علامه ضیاء الدین و فقیه ایمانی، اصفهان: امام امیرالمؤمنین علی (ع)،
۱۴۰۶ق.

کشی، محمدبن عمر، رجال الکشی، اختیار معرفة الرجال، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمود کتابچی و دیگران، بی جا: کتاب فروشی علمی اسلامی،
۱۴۰۷ق.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، هدايت الله مسترحمی و
علی اکبر غفاری و دیگران، بیروت: دار إحياء التراث العربي. ۱۴۰۳ق.
میرحسینی، یحیی و علی باباخانی، «تطور تاریخی راه کارهای تحقق تقیّه در سیره ائمه شیعه (ع)»، تاریخ اسلام،
۷۵، ۱۳۹۷، صص ۱۴۹ تا ۱۷۸.

نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، بیروت: آل البيت، بی تا.

